

# The background and status of Chaharbagh school in Isfahan with an emphasis on Oqaf and financial support and its Waqf-Name

Mohammad Hosein Riahi\*

## Abstract

Considering that significant developments took place in the development of religious schools and educational centers during the Safavid era, especially in Isfahan and some other cities of Iran. ; This issue gained more momentum from the reign of Shah Abbas I and the centrality of Isfahan, and it was significant and noticeable until the end of the rule of this dynasty. The result of this effort, which means building schools and creating educational institutions, was the construction of a large number of schools. Fortunately, many of these scientific and religious centers are still standing after more than three centuries. Although a number of these educational institutions have also been converted into houses, shops, or changed use due to many reasons, including the passage of time, erosion and destruction, encroachment and usurpation of land and its facilities, as well as illegal occupations. One of the most important factors in maintaining some of these schools is the existence of Moqfat and material supports. A large number of these scientific and educational centers have had suitable and extensive Waqfiat and although a large part of these foundations have been gradually erased or usurped in various forms, but still there are some facilities or Moqfat left. In the current research, one of the most beautiful, exquisite and influential educational institutions of Isfahan, which was created almost at the end of this (Safawi) dynasty, is discussed and while explaining the amount of Moqfat and their number, other issues such as background, architecture, Waqf-Name, as well as the most important graduates and professors from the past to the present have been discussed.

**Keywords:** Moqfat, Waqf-Name, Educational institutions, Safavids, Chaharbagh School of Isfahan, graduates and teachers.

---

\*. Professor of Law Faculty of Shahid Beheshti University of Tehran.

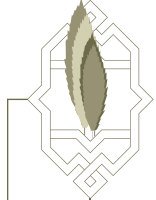
mdamad@ias.ir

\*\*. Assistant Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran.

gh.seifi.z@gmail.com

\*\*\*. Doctoral student of private law.

m.bagherzadeh5879@gmail.com



## خلفية و مكانة مدرسة جهارباغ في أصفهان مع التركيز على الأوقاف والدعم المالي و رسالة الوقف الخاص بها

محمد حسين الرياحي\*

### الخلاصة

بالنظر إلى التحول الكبيرة في تطوير المدارس الدينية و المراكز التعليمية الذي حدث في العصر الصفوي خاصة في أصفهان و بعض المدن الإيرانية الأخرى، فقد اكتسبت هذه القضية زخماً أكبر منذ عهد الشاه عباس الأول و تسارعة مركزية أصفهان بشكل ملحوظ و حتى نهاية حكم هذه الدورة. و كانت نتيجة هذا الجهد هو بناء المدارس و إنشاء المؤسسات التعليمية و عدد كبير من المدارس. و من حسن الحظ أن العديد من هذه المراكز العلمية و الدينية لا تزال قائمة بعد أكثر من ثلاثة قرون. على الرغم من أن بعض هذه المؤسسات التعليمية قد تحولت إلى منازل أو محلات تجارية أو تغير استخدامها لأسباب عديدة، منها مرور الزمن، و التآكل و الدمار، و التعدي و غصب الأراضي و التصرف بها، فضلاً عن تغيير طريقة الاستفادة منها.

من أهم عوامل الحفاظ على بعض هذه المدارس وجود الأوقاف و الدعم المادي. و قد حظي عدد كبير من هذه المراكز العلمية و التعليمية بأوقاف مناسبة و واسعة النطاق، و رغم أن جزءاً كبيراً من هذا الدعم قد تم مسحه أو التجاوز عليه تدريجياً و بطرق مختلفة، إلا أنه لا يزال هناك مرافق أو أوقاف متبقية.

تناول البحث الحالي إحدى أجمل و أروع المؤسسات التعليمية في أصفهان و التي تم إنشاؤها في نهاية هذه السلالة تقريباً (الصفوية)، و مع بيان مقدار الأوقاف و عددها، تناول مسائل أخرى مثل التاريخ و العمارة و الأوقاف و أيضاً تم التطرق إلى أهم خريجها و أساتذتها من الماضي إلى الحاضر.

**الكلمات المفتاحية:** الأوقاف، رسالة الوقف، مدرسة جهارباغ بأصفهان، الخريجون والمعلمون.

\*. دكتوراه في التاريخ الإسلامي وأستاذ في جامعة المصطفى - أصفهان

## پیشینه و جایگاه مدرسه چهارباغ اصفهان با تأکید بر اوقاف و پشتوانه‌های مالی و وقفنامه آن



محمدحسین ریاحی\*

مقاله پژوهشی

### چکیده

نظر به این که تحولات قابل توجهی در توسعه مدارس مذهبی و مراکز آموزشی در عصر صفویه به‌ویژه اصفهان و بعضی شهرهای دیگر ایران صورت پذیرفت این مسئله از عصر سلطنت شاه عباس اول و مرکزیت اصفهان شتاب بیشتری گرفت و تا پایان حاکمیت این سلسله قابل توجه و محسوس بود. حاصل این اهتمام یعنی مدرسه‌سازی و ایجاد نهادهای آموزشی، احداث تعداد زیادی مدرسه بود. خوشبختانه بسیاری از این کانون‌های علمی و مذهبی هنوز پس از گذشت بیش از سه قرن پابرجاست. اگرچه تعدادی از این نهادهای آموزشی نیز به دلایل متعدد از جمله گذشت زمان، فرسایش و تخریب، تعدی و غصب اراضی و امکانات آن و نیز تصرفات بی‌جا، تبدیل به خانه، دکاکین و یا تغییر کاربری گردیده است.

از مهم‌ترین عوامل حفظ بعضی از این مدارس، وجود موقوفات و پشتوانه‌های مادی بوده است. تعداد زیادی از این مراکز علمی و آموزشی وقفیات مناسب و گسترده‌ای داشته‌است و اگرچه بخش وسیعی از این پشتوانه‌ها به‌صورت گوناگون و به تدریج محو و یا غصب شده است، اما هنوز نیز امکانات و یا موقوفاتی از آن باقی است.

در پژوهش حاضر به یکی از زیباترین، نفیس‌ترین و تأثیرگذارترین نهادهای آموزشی اصفهان که تقریباً در اواخر این سلسله (صفوی) به وجود آمده، پرداخته شده‌است و ضمن تبیین میزان موقوفات و تعدد آن به مسائل دیگری از جمله پیشینه، معماری، وقفنامه و همچنین مهم‌ترین دانش‌آموختگان و استادان آن از گذشته تا عصر حاضر اشاره گردیده است.

**واژگان کلیدی:** موقوفات، صفویان، مدرسه چهارباغ اصفهان، دانش‌آموختگان و مدرسین.

\* دکتری تاریخ اسلام و استاد جامعه‌المصطفی اصفهان  
mhr.mhrmhr@yahoo.com



## مقدمه

ایجاد نهادهای آموزشی در فرهنگ ایران به‌ویژه بعد از اسلام و خصوصاً در برخی مقاطع تاریخی دوره اسلامی قابل توجه و ملموس بوده است.

در استمرار فعالیت‌های مدارس و مراکز علمی، موضوع وقف و پشتوانه‌های مالی تأثیری فوق‌العاده و بسزا داشته است. علاوه بر عصر آل بویه یا ایام دیلمیان و دوران طلائی تمدن ایرانی، اسلامی، برخی دوره‌های دیگر تاریخی مانند عصر سلجوقی و یا حتی بعضی از دولت‌های کوچک و ملوک‌الطوایفی اعصار فترت تاریخی ایران در سده‌های هفتم تا دهم هجری نیز تأسیس نهادهای آموزشی و بسط و تقویت این گونه مؤسسات در اولویت بوده است.

با بررسی اسناد و مدارک و تعدادی از متون تاریخی به این مطلوب دست می‌یابیم که مهم‌ترین و شاید اصلی‌ترین عامل برای حفظ، تقویت و استمرار و تأثیرگذاری این گونه نهادها، وجود پشتوانه‌های مالی و مادی تحت عنوان اوقاف بوده است. البته سوای مدارس، سایر نهادها چه مکان‌های عبادی و عام‌المنفعه نیز از این مسئله استثنا نبوده‌اند، چرا که اوقاف و وجود وقف در شرایط متعددی ضامنی بزرگ و عامل ثبات و تقویت موضوع بوده‌اند.

صفویان که با دو عنوان یا شعار، یعنی رسمیت تشیع امامیه و یکپارچگی و وحدت ایران پا به عرصه حاکمیت ایران گذاردند در تقویت شعائر دینی، به ایجاد مراکز آموزشی مذهب امامیه اهتمام خاصی داشته و در این راستا چه در تبریز، قزوین و به ویژه اصفهان، همت خاصی به خرج دادند. موقعیت اصفهان در این راستا قابل توجه بوده و از عصر سلطنت شاه عباس اول صفوی تا انتها مدارس متعدد و مختلفی به وجود آمد که علاوه بر حمایت حکومت و رجال بزرگ و برجسته سیاسی، مذهبی و اقتصادی و به تعبیری سران کشوری و لشکری، پشتوانه‌ها و اموالی به‌عنوان وقف بر آن مقرر گردید.

مدرسه زیبایی چهارباغ که آخرین بنای باشکوه اواخر عصر صفویان است از جمله نهادهای آموزشی بود که برخوردار از جهات گوناگون از جمله وقفیات بوده و می‌باشد که در این پژوهش به این مسئله اشاره رفته است، ضمن این که پیشینه، معماری و هنر و برخی وجوه آموزشی و فرهنگی این مدرسه نیز مورد بررسی کوتاه قرار گرفته است.

## ۱. جایگاه، موقعیت و معماری

مدرسه زیبا، باشکوه و تاریخی چهارباغ اصفهان را به تحقیق می‌توان نمونه‌ای اعلای یک نهاد آموزشی در زمان خود دانست. این مدرسه آخرین بنای تاریخی باشکوهی است که در عهد صفویه برای تدریس و تعلیم طلاب علوم دینی و در زمان آخرین پادشاه صفوی یعنی شاه سلطان حسین (۱۰۳۵-۱۱۰۵ ق) از سال ۱۱۱۶ تا ۱۱۲۶ ق ساخته شده است. (هنرفر، ۱۳۷۲: ۸۹)

این مدرسه با گذشت سه قرن هنوز روح معنوی، عظمت هنری و طبیعت با طراوت خود را حفظ کرده است، به طوری که وجود اشجار کهنسال، بخصوص چنارهای تنومند و نهر آبی که از وسط مدرسه می‌گذرد، صفایی خاص به این بنای ارزشمند بخشیده است. به طوری که مرحوم حسین سخن یار متخلص به مسرور (متوفی ۱۳۴۷ ش) شاعر و ادیب توانا، در توصیف این نهاد آموزشی سروده است:

خرَمی مدرسه چهارباغ  
بر دل فردوس برین هشته داغ<sup>۱</sup>

بیش از یک سده پیش جهانگردی فرانسوی (کلود آنه) عظمت این مکان را با وجود صدماتی که بر این بنا خاصه در زمان فتنه افغان و بعد از آن رفته است، این گونه ستوده است  
«آیا در سراسر جهان مدرسه‌ای می‌توان یافت که در زیبایی و صفا از این کامل‌تر باشد و در آن، اجزا و عناصر گوناگون بدین‌سان به هم درآمیخته و در هم ترکیب و ذوب شده و اثری واحد پدید آورده باشند؟». (کلود آنه، ۱۳۶۸: ۱۶۴)

راجر سیوری که از صاحب‌نظران تاریخ ایران بخصوص دوره صفویه است آن را باشکوه‌ترین بنایی می‌داند که توسط جانشینان شاه عباس اول در اصفهان ساخته شده است. (سیوری، ۱۳۷۸: ۱۶۵)

یکی از متفکران علوم و تمدن اسلامی، این مدرسه را حاصل شکوفایی سازمان‌های تعلیماتی شیعه و جزو شاهکارهای هنر اسلامی می‌داند. (نصر، ۱۳۵۹: ۶۴)

جذابیت و شکوه این نهاد آموزشی از جهات مختلف در بینندگان خود آن قدر تأثیر گذاشته و می‌گذارد که هیچ یک از بناهای تاریخی اصفهان به اندازه این بنا، شور و شوق شاعرانه جهانگردان اروپایی را برنمی‌گیزد. به عنوان مثال «دیولافوا»، «گوبینو» و «فلاندن» این بنا را بسیار دلپذیر، جذاب و سحرآمیز توصیف کرده‌اند.

۱. شعر از حسین مسرور (متوفی ۱۳۸۸ ق) از شعرای معاصر اصفهان.



این مدرسه را به نام‌های مختلف خوانده‌اند؛ از نظر اینکه در قسمت شرق خیابان چهارباغ واقع شده است آن را «مدرسه چهارباغ» خوانده‌اند؛ و به علت اینکه به فرمان شاه سلطان حسین صفوی احداث شده است «مدرسه سلطانی» نامیده‌اند؛ و از جهتی «مدرسه مادرشاه» هم گفته‌اند، بدین خاطر که مادر شاه سلطان حسین، سرای فتحیه - که هم اکنون به جای آن مهمان‌سرای عباسی ساخته شده است - هم چنین بازارچه بلند را وقف این مدرسه کرده تا منافع آنها به مصرف مدرسه و طلاب آن برسد. (مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۴۴۵)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و گسترش حوزه علوم دینی، این مدرسه نیز از حیث دروس حوزوی فعال‌تر شد و به مدرسه امام جعفر صادق<sup>ع</sup>؛ موسوم گردید.

در بین کتاب‌هایی که در اواخر عصر صفویه تألیف شده است کتابی وجود دارد به نام «وقایع السنین والاعوام» از سید عبدالحسین خاتون‌آبادی (متوفی ۱۱۰۵ ق). نامبرده سعی کرده است وقایع مختلف و مهم عالم را به صورت سالانه تا سال وفاتش ذکر نماید؛ البته پس از مرگ او فرزندان مؤلف تا وقایع سال ۱۱۹۵ ق را به آن ضمیمه کرده‌اند.<sup>۱</sup> این موضوعات بیش‌تر مربوط به تاریخ پیامبران الهی، تاریخ اسلام و مسائل مربوط به شیعه امامیه است. از جمله وقایع مضبوط در این کتاب، اطلاعاتی در باب مدرسه چهارباغ است که در هیچ یک از اسناد و آثار مربوط به عصر صفوی نمونه آن دیده نشده است. اثر مذکور در ضمن وقایع مربوط به سال ۱۱۱۶ و ۱۱۱۸ ق دربارهٔ مدرسهٔ چهارباغ آورده است:

«نواب اشرف (شاه سلطان حسین صفوی) بنای مدرسه نمود در چهارباغ اصفهان در ۱۱۱۶ هجری قمری، و در سال ۱۱۱۸ هجری قمری مدرسه مشرف به تمام شدن بود؛ و در ذی‌الحجة الحرام آن سال [منصب] تدریس مدرسهٔ مزبوره [را] به حضرت علامه‌العلما آمیرزا محمدباقر - سلمه الله تعالی - تفویض نمود». (خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲: ۵۵۶)

وقایع السنین در مورد افتتاح مدرسه در سال ۱۱۲۲ ق مطالبی را ذکر کرده و شروع کار مدرسه به طور رسمی را یکی از باشکوه‌ترین مجالس و گردهمایی‌های آن دوره خوانده‌است، وی معتقد است: تا آن زمان در دولت صفویه چنین مجمعی منعقد نشده است در آن روز به دستور شاه، امرا، ارباب مناصب، علمای اعلام و مدرسان و کلیه بزرگان مملکتی حضور داشتند.

مؤلف از حضور اشخاصی مثل میرمحمد باقر و آقا جمال خوانساری و محمود آقایی ناظر

۱. مجلهٔ یادگار، س ۳، ش ۳، ص ۵۵.

بیوتات و محمد سلیم خان ایشیک آقاسی باشی در این مراسم یاد کرده که پس از مراسم مشغول به تدریس شده‌اند.

مؤلف وقایع السنین از برخی مواد درسی که در آن روز در مدرسه تدریس می‌شده نام برده است و می‌نویسد: در آن روز «تهذیب حدیث و شرح مختصر اصول و شرح لمعه» تدریس شده است. (خاتون آبادی، ۱۳۵۲: ۵۵۹-۵۹۱)

حتی خود شاه صفوی هم گاهی برای استفاده از حضور علما و دانشمندان در این مدرسه حاضر می‌شده است؛ به طوری که آورده‌اند: وی بر خلاف عدم درایت در کشورداری، از دوستان علم و صنایع بوده است و نزد دانشمندان زمان به فراگرفتن علوم و فنون می‌پرداخته است؛ از این رو بر آن شد که این مدرسه محل سکناى طالبان علم و جای تعلیم و تعلم و بحث و فحص از مسائل علمی و از هر جهت در نوع خود ممتاز و بی‌نظیر باشد، تا آنجا که بنابر مشهور، پس از پایان یافتن ساختمان مدرسه، یکی از حجره‌های آن را برای خود اختصاص داد که اکنون نیز این حجره با تزیینات خاص از سایر حجره‌ها متمایز و سالم و بی‌عیب باقی مانده است و به نام آن شاه بدبخت تیره روز مشهور است. می‌گویند وی در حجره مذکور که در انتهای شمال غربی مدرسه واقع است برای مطالعه و مباحثه با مدرسین و طلاب حاضر می‌شده است. (خاتون آبادی، ۱۳۵۲: ۵۵۹-۵۹۱)

عزل و نصب مدرسان مدرسه نیز با این شاه صفوی بوده است؛ به طوری که مؤلف «تذکره الملوک» در این مورد آورده است: «بعد از فوت میرمحمد باقر که مدرّس رسمی مدرسه چهارباغ بود، به دستور شاه شخصی به نام ملامحمد حسین به سمت ملاًباشی و تدریس در این مدرسه منصوب و مشغول شده است». (سمیعا، ۱۳۶۸: ۲-۱)

نمای خارجی مدرسه رو به خیابان و دارای سر در بسیار عالی و زیبا و اطرافش هفده دهنه ایوان آجری دو طبقه است که در عقب آنها حجره‌هایی وجود دارد. کتیبه سر در مدرسه به خط نستعلیق سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی است و نام شاه سلطان حسین صفوی به خط عبدالرحیم جزایری و به تاریخ ۱۱۲۲ ق بر آن نوشته شده است. در ورودی به طرف خیابان چهارباغ در ضلع غربی مدرسه واقع شده است که در حاشیه چهارباغ، بر شکوه خیابان افزوده است. دو دهانه سردر از کاشی‌های فیروزه‌ای و بر روی دو پایه سنگ مرمر گلدانی به شکل بسیار زیبا قرار گرفته است. پهنای دهانه سر در مدرسه هفت متر است و در طرفین، دو سکوی مرمر بسیار نفیس و عالی وجود دارد.

فاصله بین کتیبه خط و مقرنس‌کاری‌های داخلی سردر با سوسن‌های کاشی معرق



و نقوش زیبا زینت داده شده و از جمله روی سوسن وسط، تصویر طاووسی نقاشی شده است که بالای آن عبارت «أنا مدینه العلم و علی بابها» به خط خوش نستعلیق نوشته شده است. (هنرفر، ۱۳۵۲: ۶۸۹)

در اصلی مدرسه بسیار نفیس است. این در که با نقره و طلا تزیین شده، از نمونه‌های والای هنر و صنعت است. نصب در مدرسه در سال ۱۱۲۶ ق انجام شده است. در این مورد وقایع السنین والاعوام می‌نویسد:

«در اواخر شهر ربیع‌الاول نصب نمودند دری را که از نقره به جهت مدرسه مبارکه سلطانی ساخته بودند، که تقریباً بیست من شاهی نقره برده بود و تخمیناً قریب به هشتصد تومان صرف آن در کرده بودند». (خاتون آبادی، ۱۳۵۲: ۵۶۷)

بر دو لنگه راست و چپ در مدرسه به خط نستعلیق برجسته نوشته شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

قال النبي صلى الله عليه و آله

أنا فتحنا لك فتحاً مبيناً

أنا مدينة العلم و علی بابها

اشعاری نیز به خط نستعلیق و به طور برجسته از محمد صالح اصفهانی بر روی در وجود دارد.

برای حفاظت در نقره، در زمان تولیت مرحوم سیدالعراقین، متولی مدرسه، در سال ۱۳۲۷ ق در چوبی تهیه و نصب شده است.

پس از ورود از در مدرسه، دالانی مستطیل شکل وجود دارد و در مقابل در ورودی مدرسه، ایوانی که به واسطه دیوار کوتاهی از مرمر از دالان مدرسه جدا می‌گردد و در طرفین آن ایوان، دالان کوتاهی که از آنجا وارد صحن مدرسه می‌شوند. در وسط دالان مدرسه چهارباغ سنگابی وجود دارد که حجاری آن مشتمل بر صلوات بر چهارده معصوم و به تاریخ سال ۱۱۱۰ ق است و گویا این سنگاب را از جای دیگری به این مکان انتقال داده‌اند.

مساحت ساختمان و صحن مدرسه قریب هشت هزار و پانصد مترمربع است، صحن آن به شکل مربع می‌باشد که طول آن از مشرق به مغرب، شصت و پنج و نیم و عرضش از شمال به جنوب، پنجاه و پنج و نیم متر است. نهر بزرگی که از شعب زاینده رود است (مادی فرشادی) از وسط آن می‌گذرد و چند چنار کهنسال از چنارهای قدیمی آنجا هنوز باقی است. در چهار گوشه مدرسه چهار زاویه وجود دارد و بنای این مدرسه مثل ساختمان اغلب

مدارس عصر صفوی دو طبقه است. دور تا دور طبقه فوقانی و تحتانی ایوان‌های زیبا و خوش طرحی وجود دارد که در عقب آنها حجره‌های طلاب قرار گرفته است. مجموع ایوان‌های تحتانی و فوقانی در داخل و خارج مدرسه نزدیک به ۱۲۰ و مجموع حجره‌های داخل مدرسه و داخل زوایای چهارگانه غیر از انبار و اتاق سرایدار ۱۳۴ حجره می‌باشد. تمام حجره‌ها دارای فرش‌ی مخصوص به خود بوده است.

ایوان جنوبی مدرسه به گنبد عظیم و با شکوهی منتهی می‌شود که در زیبایی و ظرافت نمونه کاملی از معماری دوران صفویه است و مانند گنبد مسجد جامع عباسی و مسجد شیخ لطف‌الله مایه اعجاب و شگفتی بینندگان می‌گردد. در دو طرف ایوان دو مناره به ارتفاع ۳۸ متر ساخته شده که قسمت فوقانی آنها در آنجا که مؤذن اذان می‌گوید، با بهترین طارمی‌های چوبی مشبک، تزیین گردیده است. کاشی‌های فیروزه‌ای مناره‌ها بسیار زیبا و خوش‌منظر است.

طول دهانه ایوان جنوبی ۹/۵ و عرضش ۸ متر و ارتفاع آن ۱۶ متر است. سر مناره‌های مدرسه نیز قبلاً قبه‌هایی از طلا داشته که در قحطی سال ۱۲۸۸ق سربازی از گروه نظام‌السلطنه مافی آن قبه‌های طلا را سرقت نموده است. (جبری انصاری، ۱۳۲۱: ۲۰۱) دور ایوان جنوبی کتیبه‌ای بسیار عالی به خط عبدالرحیم جزایری و به تاریخ ۱۱۲۲ق وجود دارد. همان‌گونه که آمد، گنبدی در عمق این ایوان قرار گرفته است. در دور گنبد و اطراف شاه‌نشین‌ها و رواق‌ها کتیبه‌هایی با خطوط بسیار زیبا دیده می‌شود که به خط عبدالرحیم جزایری خطاط معروف است. تاریخ تحریر یکی سال ۱۱۲۱ و دیگری ۱۱۲۶ق است که آخرین کتیبه موجود از دوره صفویه می‌باشد. (ایمانیه، ۱۳۵۵: ۱۳۴)

کنار محراب واقع در ایوان جنوبی مدرسه، منبری از سنگ یکپارچه مرمر سفید و نفیس بسیار اعلا قرار دارد که دارای ۱۲ پله است. در بالای این منبر و محراب کتیبه‌ای وجود دارد به خط عبدالرحیم جزایری و به سال ۱۱۲۱ق که مرحوم دکتر هنرفر متن این کتیبه و سایر کتیبه‌های مدرسه چهارباغ را در کتاب گرانسنگ «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» آورده است. (هنرفر، ۱۳۵۲: ۶۸۵-۷۲۲)

در قسمت شرقی شبستان زیر گنبد، در منبت کاری بسیار ارزشمندی وجود دارد که به شبستان زمستانی مدرسه گشوده می‌شود. این شبستان دارای درهایی است که در سابق به طرف باغ و حوضخانه مدرسه باز می‌شده و اکنون اثری از آن باغ و حوضخانه باقی نمانده است. به قراری که بعضی از مطلعان مسایل اصفهان نقل می‌کنند، چون شاه



سلطان حسین در تشویق طالبان علم و دانشمندان تلاش فراوان داشته است، از این رو دستور داده بود که در ساختمان آن موجبات و وسایل رفاه و آسایش طلاب مدرسه و مدرسان از هر جهت فراهم باشد. این است که علاوه بر تهیه همه‌گونه وسایل درس و بحث و مطالعه در داخل مدرسه، باغ‌ها و تفرجگاه‌هایی نیز برای آنها مهیا کرد. روزهای جمعه تمام طلاب از مدرسه خارج شده و زنان حرم پادشاهی برای تیمن و تبرک و تشویق اهل علم از دری که متصل به عمارت سلطنتی بوده است وارد می‌شده‌اند و جامه‌های طالبان علم را می‌شسته‌اند و حجره‌های آنها را جارو می‌کرده‌اند. (ایمانیه، ۱۳۵۵: ۱۳۵)

در سمت شمال مدرسه بازارچه‌ای زیبا، جالب و مرتفع به نام بازارچه بلند وجود دارد که به نوشته نشریه اوقاف، پس از سالیانی دراز که خراب و غیر مسکون بوده، در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ شمسی بازسازی شده است. (هنرفر، ۱۳۵۲: ۶۸۵-۷۲۲) این بازارچه نمونه‌ای ارزشمند و دیدنی از بازارهای زمان صفویه است.

در طرف شرق مدرسه کاروان‌سرای بزرگی قرار داشته که به کاروان‌سرای مادر شاه مشهور بوده است و در زمان شاه سلطان حسین صفوی در ضلع شرقی مدرسه چهارباغ ساخته شده است. این مکان نیز پیش از سی سال پیش از طرف شرکت بیمه ایران اجاره شده است و با حفظ ظاهر و اسلوب قدیمی آن و بدون آنکه در وضع ظاهری و نمای آن تغییرات بنیانی داده شود، با استفاده از حجره‌ها و اراضی مجاور آن تبدیل به مهمانخانه بزرگی شده است که اکنون به مهمانسرای عباسی معروف است. این کاروان‌سرا و بازارچه بلند را که به بازار هنر نیز مشهور شده است، مادر شاه سلطان حسین صفوی وقف مدرسه چهارباغ نموده است.

### ۱-۱. اتاق‌ها یا حجره‌ها

چنانچه قبلاً آمد مدرسه چهارباغ به جز انبار و اتاق سرایدار دارای ۱۳۴ حجره برای استفاده طلاب است. اکثر حجره‌های این مدرسه دارای نقشه یکسانی است که از یک اتاق نشیمن در جلو و قسمتی به صورت صندوق خانه در عقب و قسمت دیگری به صورت بالاخانه تشکیل می‌شود. در بین آن‌ها حجره‌های مخصوص وجود دارد - اولین حجره ضلع شمالی مدرسه از سمت مغرب - که به حجره شاه سلطان حسین مشهور است. معماری این حجره با سایر حجره‌های مدرسه مشابه است، و تفاوت آن با دیگر حجره‌ها تزئیناتی

است که در آن می‌باشد. به این ترتیب که داخل آن با حاشیه‌های طلاکاری آراسته شده و بخاری زیبایی دارد. شاه سلطان حسین قسمتی از ایام عمر خود را در حجره مخصوص خود به شرکت در مباحث دینی با علمای بزرگ گذرانده است. از اثاثیه حجره غیر از یک زیلوی ساده که کتیبه و تاریخ دارد چیز دیگری باقی نمانده است. (هنرفر، ۱۳۵۲: ۷۱۹) در تار و پود این زیلوی قدیمی شعر زیر بافته شده است:

وقف نواب اشرف اعلاست

فرش این مدرسه که روح افزاست

## ۱-۲. دارالکتاب یا کتابخانه

از جمله کتابخانه‌های کم نظیر و ارزشمند عهد صفویه کتابخانه مدرسه چهارباغ بوده است که متأسفانه در زمان فتنه افغان نابود شده و از بین رفته است. این کتابخانه در اختیار دانش پژوهان آن زمان به‌خصوص طلاب مدرسه بوده است و کتابداران کتابخانه نیز موظف بوده اند اکثر اوقات در کتابخانه مدرسه حضور داشته، کتاب‌های مورد استفاده طلاب را در اختیار آنان بگذارند. (سینتا، ۱۳۴۶: ۱۶۷)

مؤلف جغرافیای اصفهان نوشته است:

«سلاطین صفوی کتب مربوط به هر علمی را تصحیح و تنقیح کرده، سه دسته کلی از آنها را به خط خوش می‌نوشته‌اند: یک دسته را به کتابخانه آستان قدس رضوی (و دسته دوم را به کتابخانه شیخ صفی الدین اردبیلی در اردبیل می‌فرستاده‌اند و سومین دسته را در کتابخانه دولتی مدرسه چهارباغ اصفهان ضبط و محفوظ می‌داشته‌اند». و در ادامه می‌نویسد: «زمانی که افغان‌ها بر اصفهان مسلط گردیدند، مدرّس مدرسه چهارباغ احتیاط کرد و این کتکاب‌ها را در خانه خود در سردابه‌ای ریخت و در آن را مسدود نمود و تا هشت یا نه سال که این طایفه شهر را در تصرف کامل داشتند به این کتاب‌ها سر نزده تا اینکه بسیاری از این کتب به گرد و خاک و موریانه ضایع شده است». (تحویلدار، ۱۳۴۲: ۴۸) با استناد به نوشته مؤلف جغرافیای اصفهان انهدام این کتابخانه را نیز باید جزو لطمات بزرگی دانست که در این فاجعه بزرگ نصیب فرهنگ این مرز و بوم شده است.

## ۲. مروری بر موقوفات مدرسه چهارباغ و موضوعات وقف‌نامه

مدرسه چهارباغ دارای موقوفات زیادی بوده است که پس از استیلای افغان بر اصفهان و ظهور نادرشاه، چگونگی بسیاری از آن موقوفات نامعلوم مانده است. (ایمانیه، ۱۳۵۵: ۱۳۶)



وقفیاتى که در عصر شاه سلطان حسین برای این مدرسه قرار داده شده بود بسیار زیاد بوده است، به طوری که شامل تمامیت برخی از روستاها، مزارع، باغ‌ها، املاک، دکاکین، کاروان‌سراها و سایر مستغلات می‌شده است.

در گوشه و کنار اصفهان و مناطق اطراف آن و حتی نواحی دیگری مانند قم، کاشان، چهارمحال و کهگیلویه و... کم و بیش وقفیاتی به نام این مدرسه وجود داشته است که عواید آنها صرف بازسازی مدرسه و تأسیسات آن و امور مربوطه طلاب و مدرّسان این نهاد آموزشی می‌شده است. متأسفانه نسخه اصلی وقف‌نامه در دسترس نیست؛ اما رونوشتی منسوب به این وقف‌نامه نزد آقای مصطفی سیدالعراقین، متولّی مدرسه در نیم قرن پیش، موجود بوده است. (سپنتا، ۱۳۴۶: ۱۴۴-۱۹۰)

غیر از کاروان‌سرای مادر شاه که در حال حاضر به هتل تبدیل شده و به مهمانسرای بزرگ عباسی نامبردار است و نیز بازارچه بلند که هر دو از ناحیه مادر شاه سلطان حسین صفوی وقف مدرسه بوده است، برخی از موقوفات دیگر از این مدرسه هنوز باقی است که خرج مدرسه می‌شود، که از آن جمله می‌توان از مزرعه باغ ملک در چهارباغ و مزرعه‌ای در احمدآباد کاشان نام برد. (سپنتا، ۱۳۴۶: ۱۶۹)

از میان مواردی که در رونوشت وقف‌نامه مدرسه چهارباغ به چشم می‌خورد، یکی در باب وظایف مدرّسان و طلاب مدرسه است؛ از جمله اینکه: طلاب مدرسه باید به علوم شرعی مانند احادیث اهل بیت (، تفسیر، فقه و اصول و همچنین فراگیری مقدمات آن مانند صرف و نحو اشتغال داشته باشند؛ و نیز هر یک از طلاب باید به قدر متعارف و معهود به این درس‌ها مشغول بوده، حداقل یک درس طلاب باید یکی از کتاب‌های مشهور احادیث اهل بیت <sup>ع</sup>هم؟ باشد. (سپنتا، ۱۳۴۶: ۱۶۹) همچنین با توجه به مخالفت با برخی از علوم عقلی و سال‌های انحطاط عصر صفوی در حوزه‌های علمیه و مدارس آن زمان، در وقف‌نامه این نهاد آموزشی هم به این مسأله تصریح شده است. در قسمتی از این وقف‌نامه آمده است که طلاب باید از مباحثه کتاب‌های حکمت و آثار مربوط به تصوف در مدرسه احتراز نمایند. (خاتون آبادی، ۱۳۵۲: ۵۶۳)

جز رونوشت وقف‌نامه مدرسه چهارباغ، تنها منبع مربوط به وقفیات این مدرسه همان کتاب وقایع السنین والاعوام است که در اشاره به مسائل مربوط به سال ۱۱۲۳ ق، از برخی موقوفاتی که جهت مدرسه به وسیله شاه سلطان حسین فراهم آمده بود، آورده است:

«سلطان حسین قریه مهیار را بر مدرسه جدید سلطانی وقف نمود و این زمانی بود

که شاه از طریق شرعی مالک آن قریه گردید؛ و نیز در همین تاریخ قریه‌های مور و ملک، سررود و نعیم آباد و غیر از آن هم خریده و بر مدرسه وقف نموده است. قریه دیگری به اسم طهرانچی را شاه از ورثه شخصی به نام الله بیک به چهارصد و چهل تومان خریده و وقف مدرسه نموده است». (جبری انصاری، ۱۳۲۱: ۳۰۰)

با عنایت به این مطلب و نیز میزان وقفیات و عواید آن و همچنین نظارت شخص شاه و حضور مستمر وی در این مدرسه و عزل و نصب متصدیان و مدرّسان این نهاد آموزشی از ناحیه او، به فراوانی امکانات این مدرسه به عنوان یک نهاد آموزشی در اواخر عصر صفوی می‌توان پی برد، به طوری که نوشته‌اند:

«اهل مدرسه را تنعم بسیار بوده و نفوذ کلمه آنان بی قیاس و از جهت مادی هیچ گونه مشکلی نداشته‌اند، به گونه‌ای که آشپزخانه مدرسه از جهت تأمین مایحتاج خوراک طلاب و مدرسین در زمان صفوی همواره برقرار بوده است.» (تنمگابنی، ۱۳۶۴: ۴۳۶)

هرچند باید گفت این یک استثنا بوده و چه بسا در همین مدارس علوم دینی عصر صفوی در این شهر، یعنی اصفهان، طلاب بسیاری از نظر معیشت در تنگنا و سختی بوده‌اند. برای نمونه با مراجعه به احوال برخی از طلاب علوم دینی عصر صفوی مانند سید نعمت‌الله جزایری (متوفی ۱۱۱۲ ق) می‌توان به این موضوع پی برد. (هنرفر، ۱۳۵۲: ۵۵۳)

## ۲-۱. گزیده‌از متن وقفنامه

بندها یا فرازهای وقفنامه این نهاد آموزشی متعدد است و نشان دهنده موقعیت و جایگاه مدرسه نزد پادشاه صفوی و امرا و علمای آن دوره می‌باشد. تاریخ این وقفنامه شانزدهم جمادی الاولی سال ۱۱۲۳ هجری قمری است. در بخشی از وقفنامه مذکور آمده است

على الحساب قربة الی الله و طلباً لمرضاته وقف صحیح شرعی لازم مؤبّد و حبس صریح... جازم مخلد فرمودند بر طلبه علوم دینیّه اثنی عشریه سکنه مدرسه رفیعه مبارکه جدیده سلطانی مذکور فوق و بر مدرّس و ناظر و سایر مباشرین و کارکنان و خدمه و به جهت فرش و روشنایی و سایر مایحتاج مسجد و مدرسه مبارکه مزبوره ... به این نهج که هر سال بعد از رفع محصولات، آنچه حاصل و منافع موقوفات مزبوره باشد، متولی شرعی مدرسه مبارکه و موقوفات به شرح ذیل صرف نمایند. (اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۳: ۸۳)

یکی از مطالب مهم و جالب این وقفنامه، در نظر گرفتن سهمی قابل توجه برای



متولی و ناظر استیفاء این نهاد آموزشی می‌باشد

و آنچه از جمله حاصل باقی بماند، آن را به ده منقسم ساخته، یک عشر آن را متولی شرعی به علت حق السعی خود که اهتمام در انتظام مدرسه و موقوفات مذکوره و تأکید مباشرین آنها در ضبط و تحصیل مداخل و صرف در مصارف مقرر بر نهج شرع انور و شرط وقف می‌نماید به صیغه حق‌التولیه متصرف شود. (اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۳: ۸۵)

از دیگر مصارف موقوفات این مدرسه که به آن تصریح شده، اینکه هشت خادم استخدام شوند که «امین و متدین باشند و شریر و مفسد نباشند و روز و شب به لوازم خدمت طلبه مدرسه کما هو حقّه قیام و اقدام نموده، فوت و فروگذاشت ننمایند». (اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۳: ۹۲)

بخشی دیگر از این وقفنامه نمایانگر کار مُدرس مدرسه چهارباغ و خط مشی وی در امور مربوط و متعلق به تدریس کتاب‌ها و یا منابع و یا دروس مورد تدریس در آنجا می‌باشد و باید که مدرّس در ایامی که به جهت درس گفتن در مدارس معهود است بلامانع در مدرسه مبارکه به مباحثه و مدارسه علوم شرعیه از احادیث اهل بیت؟ هم؟ و تفسیر و فقه و اصول و مقدمات آنها از عربیه و نحو و صرف و منطق و سایر علومی که تعلیم و تعلم آنها مشروع باشد به قدر متعارف و معهود از هریک که مناسب داند، اشتغال نماید و اقلّاً یک درس او یکی از کتب مشهور احادیث شریفه اهل بیت؟ هم؟ باشد و از مباحثه کتب حکمت صرف و تصوف در مدرسه مبارکه احتراز نماید و سعی نماید در اشتغال طلبه به مباحثه و مطالعه و ترقی آنها در مراتب علمی و صرف وجوه خیرات و میرات مذکوره در مصارف آنها و اشتغال تالیان و خدمه و کارکنان به اشغال خود. (اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۳: ۹۴-۹۳)

وقفنامه این نهاد آموزشی (مدرسه چهارباغ)، ضمن تبیین ویژگی‌ها و شرایط اهل علم و طلاب ساکن در آنجا، متولی و مُدرس مدرسه را مجاز به هزینه گذاری برای بهبود امور آموزشی و تحصیل طلاب نموده است

... و اگر مدرّس مناسب داند و تصدیق و تعیین نماید، به یک نفر از سکنه مدرسه مزبور هر یوم مبلغ یک صد دینار اضافه بر وظیفه حجره تسلیم نماید که رئیس طلبه بوده، به اشتغال مناسبه آن اشتغال [داشته باشد] و اعلی حضرت خاقان واقف... در متن صیغه وقف مزبور شرط شرعی نمودند که سکنه مدرسه مبارکه مزبور که اخذ وظیفه می‌نمایند از فرقه محقه ناجیه اثنی عشریه (کثرهم الله تعالی بین البریه) و صحیح الاعتقاد

و متدین و ظاهرالصلاح بوده، به فساد اعتقاد و شرارت موصوف نباشند و حجره خود را معطل نگذارند و به تحصیل علوم دینی مشغول باشند و موافق عادت و متعارف آنجا سکنی نمایند و مدرّس مدرسه مبارکه، ایشان را در آن مدرسه جا داده، به جهت ایشان تعیین حجره نموده باشد. و هریک به اوصاف مذکوره با سایر شرایط دیگر که متولی شرعی هر عصر قرار دهد موصوف نباشند یا بودن آنها را در مدرسه مبارکه، مدرّس صلاح نداند و مناسب نشمارد، مدرّس مذکور او را اخراج و شخصی را که به اوصاف مذکوره متصف باشد و مناسب داند، اسکان نموده، وظیفه را تسلیم او نمایند. و هرگاه متولی شرعی زیاده بر شروط و اوصاف مزبوره فوق – که در همه ازمنه باید مرعی باشد – شروط دیگر در نوبت تولیت خود قرار دهد که باعث نظام امور مدرسه و زیادتی اشتغال طلبه به تحصیل باشد، مختار و شرط مزبور در ایام تولیت او شرعاً مضمی خواهد بود. و باید متولی شرعی تأکید و ناظر سعی، و سایر مباشرین اهتمام نمایند که حاصل موقوفات نقد شده و وظایف طلبه عظام و حق التدریس و حق التلاوه و مقرری و مرسومات کارکنان و عمله و سایر ضروریات، ماه به ماه به اطلاع ناظر مدرسه مبارکه در حضور مدرّس یا معتمد او دست به دست به ارباب آنها برسد و رسد [رسید] آنها هر ماه را در آخر آن ماه یا اوایل ماه بعد تسلیم نموده و به اواسط ماه بعد نیفتد. و وجوه خیرات و مبرات را در وقت خود به اطلاع ناظر در حضور مدرّس و یا معتمد او بر نهج شرع به مصارف مقرر رسانند و قبوض آنها و اسناد خرج خیرات مزبوره را به مهر مدرّس رسانیده، بدون مهر او به خرج مجری ندارند و ناظر مدرسه مبارکه، عمال و کارکنان مدرسه مزبوره را به اشتغال به امور مرجوعه به آنها داشته تأکید نماید و بر جمع و خرج موقوفات تماماً مطلع بوده احدی را مجال تغلب و تصرف خلاف شرع ندهد. (اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۳: ۹۴-۹۵)

### ۳. چهره‌های برجسته از دانش‌آموختگان و مدرسین مدرسه چهارباغ

از زمان تأسیس این نهاد آموزشی تاکنون شخصیت‌هایی بسیار در مدرسه چهارباغ به تحصیل یا تدریس پرداخته‌اند. تعداد قابل توجهی از افرادی که در این مدرسه حضور علمی و معنوی داشته‌اند بسیار است که در برخی آثار و منابع از جمله تذکره‌ها بدان اشاره رفته است. نام و شهرت بعضی از آنان عبارتست از: میر محمدباقر خاتون آبادی (نخستین مدرسین مدرسه و در ابتدای تأسیس)، آقا جمال خوانساری فرزند آقا حسین خوانساری، ملا محمدحسین (معروف به ملباشی)، میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون‌آبادی



(متوفی ۱۲۰۲ ق)، میر محمدرضا مدرس خاتون آبادی (متوفی ۱۲۳۸ ق)، سید محمدباقر شفتی (معروف به سید حجت الاسلام)، حکیم اسدالله قمشه‌ای، حکیم محمدرضا صهبا قمشه‌ای، سید عبدالحسین خاتون آبادی (سیدالعراقین)، سید محمدرضا خراسانی، سید احمد خوانساری، سید محمد نجف آبادی، سید محمدحسین ادیب بجنوردی، میر سید علی نجف آبادی، شیخ حبیب الله شاهنده، شیخ محمد یزدی اصفهانی، سید عبدالحسین طیب، حاج میرزا علی آقا شیرازی، حیدر علی خان برومند گزی، شیخ محمدحسین فقیه نطنزی، شیخ محمدحسین قلمز چهارمحالی، شیخ غلامحسین آبشاهی یزدی، شیخ علی قدیری کفرانی، شیخ صفرعلی شریعت فلاورجانی، شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی، شیخ محمدعلی مدرس دزفولی، شیخ محمود مفید، شیخ محمد غروی کاشانی، شهید شیخ محمد صدوقی یزدی، شیخ نورالله اشنی قودجانی، سید محمدعلی ابطحی، شیخ علی مشکات، سید عطاء الله فقیهی جرقویه‌ای محمدآبادی، سید علی اصغر مدرس برزانی، سید رضا روضاتی، سید مصطفی شریعت درجه‌ای، شیخ عباس ایزدی نجف آبادی، سید محمد هاشمی، ملا هاشم جنتی، شیخ حسن گلشادی، سید حسن علوی خوراسگانی، شیخ احمد فیاض فروشانی، سید علی اکبر واعظ، شیخ محمود شریعت ریزی، شیخ حسن صافی اصفهانی، سید جلال الدین طاهری، شیخ مهدی مظاهری، شیخ اسدالله جوادی گورتانی، شیخ محمود فقهی، شیخ ابوالقاسم نورایی، سید محمدعلی موحدابطحی، سید مرتضی موحد ابطحی، میر معصوم خاتون آبادی و ملا مهدی حیرت قمیوانی

۳-۱. جمال‌الدین محمد بن حسین خوانساری معروف به آقا جمال خوانساری (متوفی ۱۱۲۵ ق). آقا جمال در حوزه علمیه اصفهان نزد پدرش آقا حسین خوانساری و دایی‌اش محقق سبزواری نویسنده ذخیره المعاد فی شرح الارشاد و ملا محمدتقی مجلسی درس خواند و سپس در همانجا به تدریس علوم عقلی و نقلی پرداخت. آقا جمال از علمای طراز اول و مدرسان برجسته آن دوران اصفهان شمرده می‌شد و ریاست حوزه این شهر را بر عهده داشت. علمایی چون آقا محمد اکمل اصفهانی، پدر وحید بهبهانی، جعفر بن حسین خوانساری (میرکبیر) و ملا رفیع مشهدی از شاگردان وی بودند. او از مجلسی اول اجازه نقل حدیث داشت. اردبیلی او را دارای مقامی بلند و از راویان فقه خوانده است. شیخ یوسف بحرانی صاحب الحدائق الناظره او را از مشایخ خود در نقل حدیث برشمرده است. از جمله آثار او عقاید النساء یا کلتوم ننه بوده که خرافه ستیزی انگیزه تألیف او بوده است. برخی

آثار دیگر او عبارتند از: اصول الدین، رساله در جبر و اختیار، تاج التراجم و منشآت. وی در ۲۶ رمضان ۱۱۲۵ ق درگذشت. محل دفن او در آرامگاهی است که شاه سلیمان جهت پدرش (آقا حسین) در تخت فولاد احداث کرده بود. (ریاحی، ۱۳۸۵: ۲۰۲؛ باقری، ۱۳۹۹: ۱۱۹)

۳-۲. میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون‌آبادی: وی فرزند سید محمد اسماعیل ملاحی و متولد حدود سال ۱۱۴۵ ق در اصفهان است. قریب به ۳۰ سال مدرس مدرسه چهارباغ اصفهان و معروف‌ترین استاد آنجا در دوره خود بوده است. میرزا ابوالقاسم بجز پدر از ملا اسماعیل خواجویی، آقا محمد بیدآبادی استفاده نمود. آثار متعددی از وی برجای مانده است که از جمله می‌توان به شرح نهج‌البلاغه، تفسیر قرآن، تعلیقه بر تفسیر صافی فیض کاشانی و تعلیقات علی‌الکتب الاربعه اشاره نمود. میرزا ابوالقاسم در علوم مختلف چون فقه، حدیث، تفسیر، اخلاق و کلام تبحر داشت و با چند دهه تدریس در مدرسه چهارباغ به لقب مدرس اشتهار یافت. در این مدت طولانی شاگردانی بسیار تربیت کرد که از جمله آنها می‌توان به آخوند ملا علی نوری، علامه سید مهدی بحرالعلوم (به مدت چهارسال) و میر عبدالباقی امام جمعه اشاره نمود. وی سال‌های متمادی نیز امامت جماعت مسجد جامع عباسی را عهده‌دار بود. او در ذی حجه سال ۱۲۰۲ ق در سن پنجاه و هفت سالگی از دنیا رفت و جنازه‌اش را در نجف و در جوار مرقد مطهر امام علی بن ابی طالب (به خاک سپردند). (باقری، ۱۳۹۹: ۶۵-۶۷)

۳-۳. سید محمدباقر شفتی (معروف به سید حجت‌السلام فرزند سید محمدتقی) یکی از چهره‌های مبرز و معروف شیعه در اوایل عصر قاجاریه است که مدتی را در مدرسه چهارباغ اصفهان مشغول به تدریس بوده است. ولادت وی به سال ۱۱۸۰ ق در چرزه زنجان بوده است و در کودکی او، خانواده‌اش به شفت گیلان مهاجرت می‌نمایند. سید پس از فراگیری مقدماتی از علوم در شفت به ویژه نزد پدرش که از اهل علم به حساب می‌آمد، راهی عتبات شده و در بازگشت مدتی را در قم و نراق به فعالیت جهت کسب دانش ادامه می‌دهد و پس از آن وارد اصفهان می‌شود. مرحوم شفتی استادان متعددی را تجربه کرد که از جمله می‌توان به: میرزا ابوالقاسم قمی (صاحب قوانین)، محمدباقر اصفهانی (وحید بهبهانی)، شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، سید علی طباطبایی (صاحب ریاض المسائل)، سید مهدی طباطبایی (علامه بحرالعلوم) و مولا محمد مهدی نراقی (صاحب جامع السعادات) اشاره نمود. وی همچنین خود نیز شاگردان بسیاری را تربیت نمود که از آن جمله‌اند:



سید محمدباقر خوانساری (صاحب روضات الجنات)، حاج محمدجعفر آواده‌ای (مؤلف نقودالمسائل)، ملا عبدالله هرنندی و آقا مجتهدبن صدرالدین عاملی. آثار مکتوب بسیاری از سید شفتی برجای مانده که از جمله می‌توان به کتاب «مطالع الانوار» در شش جلد اشاره نمود. از معاصرین و دوستان او در اصفهان مرحوم فقیه زاهد حاج محمدابراهیم کلباسی بوده است. مرحوم سید حجت الاسلام در بدو ورود به اصفهان در مدرسه چهارباغ سکونت نمود و شروع به بحث و تدریس نمود. بیان شیوا و اطلاعات و معلومات کامل و وافر و حسن معاشرت موجب گردید که طلاب و دانشجویان در اطرافش گرد آمدند به طوری که می‌نویسند، متولی و مدرّس مدرسه نامبرده از این پیشامد ناراحت و ناراضی گردید و چون سید حجت‌الاسلام متوجه عدم رضایت متولی گردید، بلافاصله تغییر محل داد. آنچه به دست می‌آید این است که با وجود مرحوم سید در مدرسه چهارباغ این نهاد آموزشی رونق خاصی یافت به گونه‌ای که چون در آنجا شروع به تدریس نمود، طلاب پروانه وار گرد شمع وجودش جمع شدند. از جمله آثار و برکات مرحوم سید محمدباقر شفتی ایجاد یا احداث مسجدی بزرگ و با عظمت در محله بیدآباد اصفهان است که امروزه به مسجد سید معروف می‌باشد. وفات سید به سال ۱۲۶۰ ق روی داد و پیکر او را در مسجدی که او بانی‌اش بود به خاک سپردند. (مهدوی، ۱۳۶۸: ۲۵۶)

۳-۴. حکیم متأله و عارف زاهد آقا محمدرضا قمش‌های (ره) از جمله چهره‌های شاخص در بین مدرسین مدرسه سلطانی چهارباغ می‌باشد. سال تولد وی را ۱۲۴۱ ق در شهرضا نوشته‌اند و به دلیل اینکه در شعر تخلص «صهبا» داشت به حکیم صهبا نیز اشتها یافته است. وی مردی به تمام معنا وارسته و عارف مشرف بود. با خلوت و تنهایی مأنوس بود و از جمع تا حدودی گریزان. در جوانی ثروتمند بود، در خشکسالی ۱۲۸۸ ق تمام مایملک منقول و غیرمنقول خود را صرف نیازمندان کرد و تا پایان عمر درویشانه زیست. وی در مراعات آداب و سنن شرع و ادای واجبات و مستحبات و ترک مکروهات و مواظبت بر نوامیس دین، چنان محکم و استوار بود که گویی سلمان عصر و ابوذر زمان بود. حکیم قمش‌های در اوج شهرت آقا علی حکیم مدرس زنوزی و میرزا ابوالحسن جلوه به تهران آمد و با آن که مشرب اصلی‌اش صدایی بود، کتب بوعلی را تدریس کرد و بازار میرزای جلوه را که تخصصش در فلسفه بوعلی بود، شکست، به طوری که معروف شد: «جلوه از جلوه افتاد». مرحوم صهبا بجز مدرسه چهارباغ اصفهان در مدرسه صدر نیز تدریس نموده و در تهران نیز مجلس درس

داشته است و شاگردانی نیز داشته است. از جمله شاگردان او جهانگیرخان قشقایی، آقا میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا علی‌اکبر یزدی و آخوند ملا محمد کاشانی (کاشی) بوده‌اند. وفات وی به سال ۱۳۰۶ ق و در سن ۷۲ سالگی در تهران بوده است. او را در سر قبر آقا به خاک سپردند. آثار و تألیفات ارزشمندی از حکیم صهبا بر جای مانده است مانند: الخلافة الكبرى، حاشیه بر شرح قیصری بر فصوص الحکم، دیوان اشعار و حاشیه تمهید القواعد. (باقری، ۱۳۹۹: ۱۶۶؛ مطهری، ۱۳۵۹: ۶۰۶-۶۰۸)

۳۵. آیت‌الله سید احمد خوانساری از دانش‌آموختگان مدرسه چهارباغ اصفهان و یکی از درخشان‌ترین چهره‌های فقاہت، فضیلت، زهد و پارسایی در بین علمای معاصر شیعی می‌باشد. او مدتی در حوزه علمیه اصفهان از جمله مدرسه چهارباغ سکونت و در آنجا به تحصیل علم مشغول بود. پدرش حاج سید یوسف نام داشت و با ۲۹ واسطه نسبش به امام هفتم حضرت موسی بن جعفر<sup>ع</sup> می‌رسید. تولد سید احمد به سال ۱۳۰۹ ق در خوانسار بود. او پس از تحصیلات در خوانسار و اصفهان راهی حوزه علمیه نجف اشرف گردید. از استادان ایشان میرزا محمدحسین نائینی (نجف اشرف)، شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی (اصفهان)، آقا ضیاءالدین عراقی (نجف)، آخوند عبدالکریم گزی (اصفهان) و ملا محمدکاظم خراسانی و سید محمدکاظم یزدی (نجف) را می‌توان نام برد. شاگردان بسیاری نیز تربیت شده محضر آیت‌الله سید احمد خوانساری بوده‌اند که از جمله برخی عبارتند از: حضرات آیات: سید محمدباقر سلطانی طباطبایی، سید محمدباقر موحد ابطحی، امام موسی صدر و شیخ علی قاضی زاهدی گلپایگانی.

آیت‌الله سید احمد خوانساری پس از عتبات مدتی را در اراک و قم بسر برد، سپس راهی تهران گردید. دلیل ورود به تهران در خواست مردم از آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی جهت شخصیتی با کفایت برای اقامه نماز در مسجد سید عزیزالله تهران بود. آثار مکتوب متعددی از او برجای مانده که از جمله می‌توان به کتاب «جامع‌المدارک» که شرحی بر کتاب «المختصر النافع محقق حلی» است اشاره نمود. وفات وی پس از ۹۶ سال تلاش و عزت روز ۱۳۶۳/۱۰/۲۹ شمسی روی داد. پیکر او را در کنار مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه<sup>ع</sup> به خاک سپردند. (باقری، ۱۳۹۹: ۶۷-۷۴)

۳۶. سید محمدرضا خراسانی: یکی از موفق‌ترین کسانی که افزون بر تدریس، سرپرستی و تولیت مدرسه چهارباغ اصفهان را برعهده داشت، مرحوم آیت‌الله سید محمدرضا خراسانی



است. آیت‌الله سید محمدرضا خراسانی متولد ۱۳۱۱ ق در اصفهان و از خاندان علمی بود. پدرش سید محمدجواد نیز در زمره عالمان بود. از استادان وی می‌توان سید ابوالقاسم دهکردی، سید محمدباقر درچه‌ای، آخوند گزی، جهانگیرخان قشقایی و آخوند کاشی را نام برد. وی موفق به کسب اجازاتی از برخی اعظام علما شیعه از جمله حضرات آیات: سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمدباقر درچه‌ای، آخوند محمدحسین فشارکی و شیخ عبدالکریم حائری گردید. ایشان در شاگرد پروری نیز بسیار موفق بود و در دو مدرسه چهارباغ و صدر به تربیت شخصیت‌های مؤثری پرداخت از جمله شاگردان او: سید عبدالحسین رضواتی، شیخ اسدالله جوادی و شیخ محمدتقی فهامی بوده‌اند. تألیفات متعددی از آقای خراسانی برجای مانده است که می‌توان رساله در اصول اعتقادات و حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری را نام برد. بجز احیاء و حفظ مدرسه چهارباغ، وی باعث حفظ موارث معنوی بسیاری در اصفهان از جمله برخی مساجد و مدارس گردید. وفات وی در ۲۹ رجب سال ۱۳۹۷ ق رخ داد. بر ایشان در جوار مقبره فاضل اصفهانی (هندی) در تخت فولاد است. (باقری، ۱۳۹۹: ۱۵۶؛ مهدوی، ۱۳۸۸: ۱۳۸۷)

۳-۷. حیدرعلی خان برومند گزی (جزی): از چهره‌های میرز دانش‌های حکمی و شیعی معاصر مرحوم حیدرعلی خان برومند فرزند عبدالغفار خان است. او بجز تدریس در مدرسه چهارباغ، به درخواست آیت‌الله خراسانی (سید محمدرضا)، عهده‌دار تدریس قسمت صلاة کتاب ارزشمند «مصباح الفقیه» گردید. از استادان وی می‌توان از: شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی (ابوالمجد)، شیخ محمد حکیم خراسانی و میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی نام برد. از جمله شاگردان ایشان، شیخ ابراهیم امینی نجف‌آبادی و شیخ اسدالله جوادی بوده‌اند. وفات وی شانزدهم اسفندماه ۱۳۷۵ رخ داد. پیکرش را در امامزاده ابوالعباس خوراسگان دفن کردند. (باقری، ۱۳۹۹: ۱۴۷-۱۵۱؛ رجال و مشاهیر اصفهان (دست نویس))

۳-۸. سید عبدالحسین طیب: از دیگر فضلاء و فرزندان مدرسه چهارباغ اصفهان، مفسر و متکلم نام‌آور، مرحوم آیت‌الله سید عبدالحسین طیب متولد ۳۰ تیرماه ۱۳۷۲ شمسی در اصفهان است. او در اصفهان و نجف تحصیلات خود را طی نمود و شاگردان بسیاری را نیز پرورش داد. آیت‌الله طیب از برخی علما و اندیشمندان از جمله آیت‌الله اصفهانی (مدیسه‌ای)، میرزا حسین نائینی، حاج آقا حسین قمی و آقا ضیاء عراقی به دریافت اجازه نائل شد. از مهم‌ترین آثار ایشان در تفسیر، کتاب «اطیب البیان» یک دوره کامل تفسیر قرآن است.

اثر دیگر وی «کلم الطیب» یک دوره کتاب عقاید اسلامی می‌باشد. وفات وی ۸ محرم الحرام ۱۴۱۲ ق و مدفن او مسجد کازرونی در خیابان میر اصفهان است. (ستارگان درخشان حوزه علمیه اصفهان، ، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۱۶)

۹-۳. حکیم متأله و عالم ربانی آیت‌الله حاج میرزا علی آقا شیرازی؛ مرحوم شیرازی از کسانی است که برای احیای نهج‌البلاغه بسیار کوشید و معارف بلند نهفته در این کتاب ارزشمند را با بیانی زیبا و الهی تا اعماق دل مشتاقان رسانید. وی به دعوت مرحوم آیت‌الله سید محمدرضا خراسانی در مدرسه چهارباغ برای جمعی از فضلا و طلاب، کتاب نهج‌البلاغه را تدریس کرد. تولد وی به سال ۱۲۹۴ ق در نجف بود. پس از مدتی به اصفهان آمد و در ایام جوانی در حوزه این شهر از محضر عالمان بزرگ این حوزه بهره برد. از جمله کسانی که از فضایل درس مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی بهره مند گردید مرحوم آیت‌الله شهید مرتضی مطهری است. آیت‌الله مطهری خود را مرهون مجالس نهج‌البلاغه مرحوم شیرازی دانسته است و می‌نویسد: او با نهج‌البلاغه می‌زیست، با نهج‌البلاغه تنفس می‌کرد، روحش با این کتاب همدم بود، نبضش با این کتاب می‌زد و قلبش با این کتاب می‌تپید. وفات این دانشمند و واعظ پارسا در شب ۲۴ جمادی الاولی ۱۳۷۵ ق در اصفهان روی داد. طبق وصیت جنازه را در قبرستان شیخان قم به خاک سپردند. (ریاحی، ۱۳۷۳: ۱۰۸)

۱۰-۳. شهید آیت‌الله شیخ محمد صدوقی یا سومین شهید محراب در دوره انقلاب اسلامی ایران از جمله دانش‌آموختگان مدرسه چهارباغ اصفهان می‌باشد. وی متولد هشتم صفر سال ۱۳۲۷ ق در شهر یزد است در کودکی پدر و مادر را از دست داد. در سیزده سالگی وارد حوزه علمیه زادگاهش گردید. وی به سال ۱۳۴۸ ق برای ادامه تحصیلات راهی اصفهان و در مدرسه چهارباغ مشغول تحصیل و فراگیری علم شد. پس از حوزه اصفهان راهی قم گردید. شهادت این عالم بزرگوار در سن هفتاد و پنج سالگی و به تاریخ ۱۱ تیرماه ۱۳۶۱ برابر با دهم ماه مبارک رمضان به هنگام نماز جمعه در شهر یزد صورت گرفت. (بزدی و کاظمینی، ۱۳۸۲: ۳۸۵؛ باقری، ۱۳۹۹: ۲۶۵-۲۶۶)

۱۱-۳. عالم ربانی و فقیه صمدانی، آیت‌الله حاج شیخ حسن صافی فرزند نصرالله و متولد ۱۲۹۸ ش در اصفهان از شخصیت‌های علمی وارسته معاصر و مدرسین مدرسه چهارباغ بوده است. وی پس از مدتی تحصیل در حوزه‌های اصفهان و نجف راهی عتبات شد و حدود ۳ دهه در مجاورت آستان مطهر علوی<sup>۲۵</sup> در نجف اشرف به تحصیل و تهذیب پرداخت و



نزد عالم و عارف کامل آقا سید جمال‌الدین گلیپایگانی به تهذیب نفس پرداخت. بیشترین بهره را از درس آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی برد. با درخواست مردم اصفهان از آیت‌الله خوئی، راهی اصفهان شده و به تدریس و امامت جماعت پرداخت. وی نمونه‌ای والا از تواضع، دانش، وارستگی و صبر بود. مدتی ریاست حوزه علمیه اصفهان به عهده ایشان بود. وفاتش در سن ۷۶ سالگی و صبح جمعه سال ۱۴۱۶ ق (سوم جمادی الاولی) روی داد. مدفن ایشان در بقعه علامه مجلسی (ره) است. علاوه بر تربیت شاگردان، آثار و تألیفاتی از ایشان برجای مانده است که به کتاب «الهدایة فی الاصول» در چهار جلد می‌توان اشاره نمود. (ریاحی، ۱۳۹۷: ۱۳۲-۱۳۵؛ یادنامه آیت الله صافی، بی‌تا: ۳۴-۳۷)

## نتیجه‌گیری

۱- مدرسه چهارباغ اصفهان که به نام‌های دیگری مانند مدرسه سلطانی، مادرشاه و امام صادق<sup>ع</sup>؛ نیز نامیده می‌شود از جمله مهم‌ترین نهادهای آموزشی اصفهان در علوم دینی است که از زمان تأسیس در اواخر عصر صفوی تاکنون نیز به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مدارس حوزوی ایران و اصفهان بشمار می‌رود

۲- این نهاد آموزشی که به اهتمام بزرگانی از دولت صفوی از جمله پادشاه وقت و امراء بنیان نهاده شد دارای وقفیات قابل توجهی بوده است که این موقوفات مشتمل بر اراضی وسیعی از زمین‌های کشاورزی، بازار و کاروان‌سرا و سایر مستغلات می‌باشد.

۳- از جمله مهم‌ترین وقفیات مدرسه چهارباغ می‌توان به کاروان‌سرای مادرشاه اشاره کرد که در ادوار اخیر و چندین دهه است تغییر کاربری داده و به عنوان هتل یا مهمانسرای مجللی مورد استفاده می‌باشد. همچنین بازارچه هنر که به بازارچه بلند نیز معروف است به همراه کاروان‌سرای مادرشاه (هتل عباسی کنونی) جزو اماکنی است که با هزینه مادرشاه سلطان حسین صفوی در زمره مدرسه چهارباغ قرار گرفته است.

۴- مدرسه چهارباغ از حیث زیبایی و شکوه بنا از نفیس‌ترین آثار صفوی در ایران و اصفهان به حساب می‌آید. این نهاد آموزشی انواع کاشی کاری را در خود جای داده است. مدرسه مذکور از نوع چهار ایوانی و نمونه کامل یک معماری درون‌گرا می‌باشد.

۵- این نهاد آموزشی با توجه به موقعیت و جایگاه و وسعت خود از گذشته تا به امروزه محل تحصیل و رشد بسیاری از شخصیت‌های علمی و معنوی ایران و جهان تشیع بوده است.



## کتابنامه

- اشکوری، سید صادق حسینی (۱۳۸۸). *اسناد موقوفات اصفهان*، زیر نظر اداره کل اوقاف و امور خیریه اصفهان، قم: نشر مجمع ذخائر اسلامی.
- ایمانی، مجتبی (۱۳۵۵). *تاریخ فرهنگ اصفهان*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- باقری سیانی، مهدی (۱۳۹۹). *سیمای صالحان*، قم: مؤسسه کتاب شناسی شیعه.
- بی‌نا (۱۳۷۴). *یادنامه فقیه فرزانه حضرت آیت الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی*، اصفهان: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شعبه استان اصفهان.
- جمعی از نویسندگان (۱۴۱۸). *ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان*، اصفهان: دفتر تبلیغات المهدی .
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۱). *ستارگان درخشان حوزه اصفهان*، اصفهان: نشر مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- تحویلدار، میرزا حسین (۱۳۴۲). *جغرافیای اصفهان*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: انتشارات دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- تنکابنی، میرزا محمد (۱۳۶۴). *قصص العلماء*، تهران: اسلامیه.
- جابری انصاری، محمدحسن خان (۱۳۲۱). *تاریخ اصفهان و ری*، تهران: ناشر عمادزاده.
- جناب، میر سید علی (۱۳۸۵). *رجال و مشاهیر اصفهان*، تحقیق: رضوان پورعصار، اصفهان: مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل، ۱۳۸۵.
- خاتون آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۲). *وقایع السنین والاعوام*، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۲.
- ریاحی، محمد حسین (بی‌تا). *رجال و مشاهیر اصفهان* (دست نویس).
- ریاحی، محمدحسین (۱۳۷۳). *طیب جسم و جان* (زندگی نامه حکیم متاله حاج میرزا علی آقا شیرازی)، اصفهان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ریاحی، محمدحسین (۱۳۸۵). *رآورد ایام*، اصفهان: مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل.
- ریاحی، محمدحسین (۱۳۹۷). *نگاهی بر پیشینه محله پایین دروازه اصفهان*، اصفهان: دادیار.
- سپینتا، عبدالحسین (۱۳۴۶). *تاریخچه اوقاف اصفهان*، اصفهان: انتشارات اوقاف اصفهان.
- سیوری، راجر (۱۳۷۸). *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- کتابی، دکتر محمدباقر (۱۳۷۵). *رجال اصفهان*، اصفهان: نشر گل‌ها.
- کلود آنه (۱۳۶۸). *اوراق ایرانی*، ترجمه ایرج پروشانی، تهران: انتشارات معین.
- مدرس یزدی، سید کاظم؛ کاظمینی، میرزا محمد . (۱۳۸۲). *مفاخر یزد*، یزد: نشر ریحانة الرسول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹). *خدمات متقابل اسلام و ایران*، قم: صدرا.
- مهدوی، سید مصلح الدین (۱۳۶۸). *بیان المفاخر*، اصفهان: مکتبه مسجد سید.
- مهدوی، سید مصلح الدین (۱۳۸۷). *اعلام اصفهان*، ج ۲، تصحیح، تحقیق و اضافات: غلامرضا نصراللهی، اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری.
- مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲). *آثار ملی اصفهان*، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- میرزا سمیعا (۱۳۶۸). *تذکرة الملوك*، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، تهران: امیرکبیر.
- نصر، سید حسین (۱۳۵۹). *علم و تمدن در اسلام*، ترجمه احمد آرام، تهران: خوارزمی.